



گذار سهل و ممتنع از کودکی به بزرگسالی تجربه نوجوانی



مسعود زمانی مقدم
پژوهشگر مسائل خانواده

در اوایل قرن بیستم، استنلی هال برای نخستین بار اصطلاح نوجوانی (Adolescence) را به عنوان یک دوره تحولی در مطالعه روان‌شناختی نسلی مطرح کرد و این دوره را دوره طوفان و استرس نامید. در سال ۱۹۴۱ نیز واژه تینیجر (Teenager) ابداع شد، که به رده سنی ۱۳ تا ۱۹ سال اطلاق می‌شود. اگرچه عمدتاً آغاز نوجوانی با بلوغ جنسی تعریف می‌شود و نمی‌توان آن را صرفاً به سن شناسنامه‌ای تقلیل داد، اما رده سنی نوجوانان در جوامع گوناگون بر اساس وضعیت متفاوت اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی می‌تواند از ۱۰ تا ۱۹ سال متغیر باشد.

پیدایش نوجوانی

نوجوانی همواره دوره سنی چالش برانگیزی بوده است که به عنوان مرحله گذار از کودکی به بزرگسالی تلقی می‌شده. چگونگی این دوره سنی نیز همچون دیگر دوره‌های سنی متأثر از تغییرات و تحولات اجتماعی، بویژه در سطح خانواده بوده است. در جوامع سنتی کودکان در اقتصاد خانوار مشارکت می‌جستند و زودتر به بلوغ و نوجوانی می‌رسیدند. همچنین تمایز بین نوجوانی و جوانی کمتر به چشم می‌آمد و از نوجوانان به مردان و زنان جوان تعبیر می‌شد. با ظهور مدرنیته و تغییرات جمعیتی و اجتماعی از جمله گسترش شهرنشینی، برآمدن فرهنگ مصرف و مصرف‌گرایی، بهبود وضعیت رفاهی و اقتصادی خانواده‌ها، کاهش بُعد خانوار و گسترش خانواده‌های هسته‌ای، تغییر نگرش عمومی به فرزندآوری و فرزندپروری و نیز تصویب قانون منع کار کودکان، شیوه درک دوره نوجوانی تغییر پیدا کرد. مفهوم نوجوانی به مثابه دوره‌ای متمایز مطرح شد که کودکی را به بزرگسالی متصل می‌کرد. با شکل‌گیری دوره نوجوانی به عنوان مرحله‌ای منحصربه‌فرد از زندگی، وابستگی به والدین در دوران کودکی به دوره نوجوانی نیز بسط یافت و شروع گذار به دوره بزرگسالی نیز به تأخیر افتاد. اگرچه فرآیند تغییر مفهوم نوجوانی در غرب آغاز شد، اما جامعه ایرانی نیز به تبع تحولات اجتماعی مدرن، تغییر مفهوم نوجوانی را تجربه کرد.

ویژگی‌های نوجوانی

نوجوانی دوره‌ای مهم و اساسی در زندگی است که عمدتاً واجد ویژگی‌هایی است از جمله هویت‌یابی، خودیابی، خودشناسی، بیان خویش، استقلال طلبی، میل به پذیرفته شدن از سوی دیگران، میل به اثبات توانایی‌ها، شکل‌گیری تمایلات جنسی، کشف ارتباطات جنسی، بی‌ثباتی رفتاری، داشتن حالات ناپایدار

مانند ابهام و سردرگمی، پرخاشگری، انرژی فراوان و هیجانات افراطی، درگیری با خود، میل به ناهنجاری‌های اجتماعی و اخلاقی و بحران هویت. نوجوانی زمانی برای سرگرمی‌های بی‌قید و سهل‌انگارانه است. البته باید توجه داشت که نحوه بروز این ویژگی‌ها تا حد زیادی به وضعیت خانواده‌ها بستگی دارد.

نوجوانی پُرنش

نوجوانی به عنوان دوره انتقال از کودکی به بزرگسالی در نظر گرفته می‌شود اما امروزه، به دلیل تغییرات اقتصادی و اجتماعی جامعه



طبقه اجتماعی و تجربه نوجوانی

طبقه اجتماعی بخش مهمی از تجربه نوجوانی را شکل می‌دهد. در واقع، طبقه اجتماعی خانواده‌ها موجب گذارهای متفاوت از نوجوانی به بزرگسالی می‌شود. مسیر انتقال به بزرگسالی برای نوجوانان در وضعیت‌های اجتماعی مختلف، متفاوت است. نابرابری‌های ساختاری و طبقاتی که به وسیله سیاستگذاری‌های اجتماعی و اقتصادی تقویت می‌شوند، زمینه را برای نابرابری و تنوع در نوجوانی فراهم می‌کنند. نوجوانانی که در خانواده‌های ثروتمند بزرگ می‌شوند، دوره گذار طولانی‌تر و راحت‌تری را تجربه می‌کنند، در حالی که نوجوانانی که از خانواده‌های فرودست هستند، این گذار را کوتاه‌تر و با دشواری‌های متعددی تجربه می‌کنند. باری، امروزه در حالی که شکاف طبقاتی و نابرابری و بی‌ثباتی اقتصادی در جامعه ایرانی رو به فزونی نهاده، تفاوت‌های طبقات اجتماعی در فرزندپروری و والدگری بیش از پیش خود را نشان داده و بر چالش‌های نوجوانی افزوده است.

ایران از جمله تأخیر در ازدواج، افزایش بیکاری و وابستگی اقتصادی جوانان به والدین، گذار از نوجوانی به بزرگسالی با پدیده‌هایی چون «نوجوانی طولانی مدت»، «بزرگسالی به تعویق افتاده» و «ناکامی در شروع دوره بزرگسالی» همراه شده است. این دوره طولانی مدت وابستگی در دوره نوجوانی همچنین نشان‌دهنده عدم قطعیت اجتماعی و اقتصادی جامعه است.

رابطه بین نوجوانان و والدین نیز معمولاً پُرنش است. ویژگی‌های خاص نوجوانان، آنها را از والدینشان دور می‌کند، در حالی که والدین به طور مداوم سعی می‌کنند نوجوانان را تحت نظر داشته باشند و از آنها در مقابل خطرها مراقبت کنند. با وجود این، نوجوانان تمایل به عدم دخالت والدین در کارهایشان دارند. میل والدین به کنترل فرزندان نوجوان خود و تسلط بر آنها به این تنش متقابل دامن می‌زند. از سوی دیگر، با توجه به ویژگی‌های دوره نوجوانی و در شرایطی که نوعی شکاف نسلی میان نوجوانان و والدینشان احساس می‌شود، آنها به روابط دوستانه و دلبستگی به همسالان تمایل می‌یابند. در واقع، مشارکت نوجوانان در خرده فرهنگ‌های نوجوانی از طریق فرآیند همنوایی عامل مهمی در هویت‌یابی آنهاست. اگرچه روابط نوجوانان با دوستان و همسالان امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است، اما می‌تواند زمینه‌ساز انحرافات و کجروی‌های روانی و اجتماعی نیز بشود. علاوه بر این، فشارها و انتظارات دوستان و همسالان ممکن است جای کنترل والدین را بگیرد.

نوجوانی نوعی از «بودن» است!

نوجوانی دوره مهمی در اجتماعی شدن است و هویت نوجوانان، متمایز است از هویت کودکان و بزرگسالان. از این رو، پذیرش فرهنگ متمایز نوجوانی و به رسمیت شناختن آن ضروری به نظر می‌رسد. نوجوانی صرفاً دوره گذاری نیست که می‌بایست سرکوب و کنترل شود بلکه دوره گذاری سهل و ممتنع از کودکی به بزرگسالی است که در خود و برای خود دارای ارزشی برای زیستن است. نوجوانی را باید نوعی از «بودن» دانست؛ به عنوان دوره‌ای از زندگی که مختصات و چالش‌ها و جذابیت‌های خاص خودش را دارد. در نتیجه، کاهش اقتدار والدین بر نوجوانان، والدگری دوستانه، شناخت ویژگی‌ها و نگرش‌های خاص این دوره و درک نیازها، دغدغه‌ها و تفاوت‌های آنها از سوی خانواده و نهادهای فرهنگی و آموزشی می‌تواند بستری فراهم کند تا خود واقعی آنها در معرض فشار و سرکوب خود اجتماعی آنها قرار نگیرد. نهایتاً باید توجه داشت که تصور ایده‌آل از اینکه نوجوانی چگونه باید باشد، ممکن است واقعیت‌های پیچیده را درباره اینکه نوجوانان چگونه هستند، پنهان کند.